

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره چهارم * شماره سیزدهم * پاییز ۱۴۰۴



دلالت‌شناسی آیه استخلاف در نسبت با مهدویت؛

ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اهل سنت

سیده فاطمه زهرا جلالی^۱

سیدحسین شفیعی دارابی^۲

چکیده

آیات متعددی از قرآن کریم ناظر به مسئله مهدویت دانسته شده‌اند؛ هرچند در هیچ‌یک از آنها به‌صراحت نامی از امام مهدی (عج) الله تعالی فرجه الشریف نیامده است. یکی از مهم‌ترین این آیات، آیه استخلاف، یعنی آیه ۵۵ سوره نور، است. این آیه از برجسته‌ترین آیات مرتبط با آینده حاکمیت دینی در قرآن کریم به‌شمار می‌آید؛ با این حال، درباره مصداق آن میان مفسران امامیه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین دلالت آیه استخلاف و بررسی نسبت آن با آموزه مهدویت است. پرسش محوری تحقیق آن است که دلالت آیه استخلاف بر مهدویت و حکومت جهانی امام مهدی (عج) بر چه مبانی تفسیری و روایی استوار است؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، رویکرد عقلی-نقلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای سامان یافته است. در این راستا، مفاهیم کلیدی آیه، از جمله «استخلاف»، «تمکین دین» و «تبدیل خوف به امن» بررسی شده و دیدگاه‌های امامیه و اهل سنت به‌صورت تطبیقی ارزیابی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اطلاق وعده الهی، تحقق کامل تمکین دین و استقرار فراگیر امنیت، با آموزه مهدویت سازگاری بیشتری دارد و دلالت آیه در افق نهایی خود، بر عصر ظهور امام مهدی (عج) تام‌تر است.

واژگان کلیدی

آیه استخلاف، مهدویت، دلالت‌شناسی قرآنی، امامیه، اهل سنت.

 Babamaba313@Gmail.com	۱. دانش‌پژوه سطح ۲، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول). ۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی (ع)، قم، ایران.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰
استاددهی: جلالی، سیده فاطمه زهرا؛ شفیعی دارابی، سیدحسین (۱۴۰۴). «دلالت‌شناسی آیه استخلاف در نسبت با مهدویت؛ ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌های امامیه و اهل سنت»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۴، ش ۱۳، صفحات ۵۷-۷۱.	

۱. مقدمه

مسئله مهدویت از بنیادی‌ترین آموزه‌های اعتقادی در اندیشه امامیه است. گرچه اصل موعودباوری در دیگر مذاهب اسلامی نیز مطرح شده، تبیین منسجم و مستند آن در کلام شیعه اثنی‌عشری جایگاه ویژه‌ای دارد. هر آموزه اعتقادی برای صیانت از اصالت خود، نیازمند پشتوانه استدلالی در برابر دیدگاه‌های رقیب است و مهدویت نیز از این قاعده مستثنا نیست.

یکی از محورهای استناد امامیه در این زمینه، آیات قرآن کریم و از جمله آیه استخلاف، یعنی آیه ۵۵ سوره نور، است؛ آیه‌ای که هرچند در آن به نام امام مهدی (عج) تصریح نشده، اما در روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام بر تحقق حاکمیت نهایی آن حضرت تطبیق شده است. در مقابل، برخی مفسران اهل سنت، این آیه را ناظر به خلافت صدر اسلام و تحقق آن در عصر خلفای راشدین دانسته‌اند. ازاین‌رو، بررسی دلالت آیه و سنجش میزان انطباق آن با نظریه مهدویت، به مسئله‌ای کلامی و تفسیری میان فریقین تبدیل شده است.

پژوهش حاضر با رویکردی عقلی - نقلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، به دلالت‌شناسی مفاهیم کلیدی آیه استخلاف می‌پردازد و ضمن تبیین مستند دیدگاه امامیه در نسبت این آیه با مهدویت، آرای اهل سنت را به‌صورت تطبیقی ارزیابی و نقد می‌کند تا روشن شود مفاد آیه با کدام تفسیر سازگاری بیشتری دارد.

پیشینه تحقیق

بحث از آیه استخلاف، از دیرباز در آثار تفسیری و کلامی مسلمانان مورد توجه بوده است. مفسران امامیه و اهل سنت، ذیل آیه ۵۵ سوره نور، درباره مفاهیمی چون استخلاف، تمکین دین، تبدیل خوف به امن و مصداق وعده الهی سخن گفته‌اند و هر یک بر پایه مبانی تفسیری و کلامی خود، مصادیقی برای این وعده مطرح کرده‌اند. در میان امامیه، این آیه غالباً در پیوند با حکومت صالحان و در افق نهایی، با آموزه مهدویت و ظهور امام مهدی (عج) تحلیل شده است؛ در حالی که شماری از مفسران اهل سنت آن را بر خلافت صدر اسلام، صحابه یا خلفای راشدین تطبیق کرده‌اند. بنابراین، اصل بحث درباره آیه استخلاف سابقه‌ای دیرین در سنت تفسیری و کلامی فریقین دارد. در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی مستقل درباره آیات مهدویت، روش‌شناسی

تفسیر آیات مهدوی و نسبت قرآن با آموزه منجی موعود نگاشته شده است؛ از جمله:

(۱) مقاله «روش‌شناسی تفسیری آیات مهدویت»، اثر محمدعلی رضایی اصفهانی، نشریه «انتظار موعود»، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۵؛

(۲) مقاله «آیات مهدویت در قرآن از منظر احادیث تفسیری»، اثر محمدعلی رضایی اصفهانی، نشریه «مطالعات تفسیری»، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۹؛

(۳) مقاله «جهانی‌شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی»، اثر حسین خنیفر، نفیسه زروندی و جواد زروندی، نشریه «مشرق موعود»، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۹؛

(۴) مقاله «طراحی الگوی تصویرپردازی مبتنی بر آیات و روایات از مهدویت»، اثر حسن زارعی متین، سید محمدحسین هاشمیان و سید حسین شرف‌الدین، نشریه «مطالعات رسانه‌ای»، شماره ۴۹، تابستان ۱۳۹۹.

با وجود این آثار، تاکنون پژوهشی مستقل که به‌طور خاص مسئله «دلالت‌شناسی آیه استخلاف در نسبت با مهدویت» را با رویکرد تطبیقی میان دیدگاه‌های امامیه و اهل سنت بررسی کند و پس از تبیین دیدگاه امامیه و اهل سنت، دیدگاه اهل سنت را به‌صورت مستدل نقد و ارزیابی نماید، انجام نشده است. ازاین‌رو، تدوین این مقاله برای رفع خلأ موجود در این زمینه ضروری می‌نماید.

۲. مفهوم‌شناسی

در هر پژوهش علمی، به‌ویژه در مباحث اعتقادی، نخستین گام روشمند، تبیین دقیق مفاهیم کلیدی است. بسیاری از اختلاف برداشت‌ها و شکل‌گیری شبهات، ریشه در ابهام مفهومی و خلط میان معنای لغوی و اصطلاحی واژگان دارد. ازاین‌رو، مفهوم‌شناسی چارچوب بحث را روشن می‌سازد و زمینه ورود منسجم و مستدل به مباحث اصلی را فراهم می‌آورد.

۱-۲. مفهوم «مهدویت»

۱-۱-۲. معنای لغوی «مهدویت»

واژه «مهدویت» اصطلاحی عربی است که از «مهدوی» اخذ شده و «مهدوی» نیز منسوب به «مهدی» است. «مهدی» صیغه اسم مفعول از ریشه «هدی» و به معنای «هدایت شده» است؛ یعنی شخصی که به هدایت الهی راه یافته است. ابن منظور در *لسان العرب*، ذیل واژه «مهدی»، این معنا را یادآور شده است. واژه «مهدوی» بر نسبت و ارتباط با مهدی دلالت دارد؛ همان گونه که در واژگانی مانند «علوی» و «حسنی» نیز نسبت بیان می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۵/۳۵۴، ذیل واژه «مهدی»)

«مهدویت» از افزودن «ت» به «مهدوی» ساخته شده است. این «ت» را می توان «تاء تأنیث» دانست که در اثر حذف موصوف به کار رفته است؛ بدین معنا که در اصل، ترکیبی مانند «طریقه مهدویه» یا تعبیری مشابه آن وجود داشته و سپس موصوف حذف شده و صفت به تنهایی استعمال شده است (الویری و برزویی، ۱۳۹۴: ۶۱).

دهخدا «مهدویت» را از مقوله «مصدر جعلی» یا «مصدر صناعی» دانسته است؛ یعنی واژه ای که از افزودن «یت» به اسم ساخته می شود. وی توضیح می دهد واژگانی که از اضافه شدن «یت» به اسم پدید می آیند، مصدر جعلی یا صناعی نام دارند؛ مانند «انسانیت» و «آدمیت» (دهخدا، ۱۳۷۳، ذیل «مهدویت» و «جعلی»).

بر این اساس، «مهدویت» در معنای لغوی، بر حالت، صفت یا طریقه ای دلالت دارد که به «مهدی» منسوب است.

۲-۱-۲. معنای اصطلاحی «مهدویت»

«مهدویت» در اصطلاح، به مجموعه آموزه ها، مباحث و باورهای اطلاق می شود که به شخصیت، جایگاه و رسالت امام مهدی (عج) و مسئله منجی آخرالزمان مربوط است. بر این اساس، مهدویت در معنای اصطلاحی، ناظر به منظومه ای اعتقادی درباره منجی موعود و تحقق نهایی وعده های الهی در تاریخ بشر است.

۲-۲. مفهوم «استخلاف»

۲-۲-۱. معنای لغوی «استخلاف»

واژه «استخلاف» در زبان عربی از ریشه «استخلف» گرفته شده و به معنای «جانشین قرار دادن کسی» است. در متون لغوی آمده است: «استخلف فلان فلاناً؛ أى جعله خلیفة» یعنی فلانی، دیگری را جانشین خود قرار داد. همچنین گفته شده است: «خلف فلاناً علی أهله و ماله» یعنی او را جانشین خود بر خانواده و اموالش ساخت.

این معنای کلی در قرآن کریم نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که حضرت موسی علیه السلام به برادرش هارون فرمود: ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي﴾ (اعراف: ۱۴۲) موسی به برادرش هارون گفت: جانشین من در میان قوم من باش.

همچنین در منابع لغوی آمده است که اگر کسی پس از دیگری بیاید، گفته می‌شود: «خَلَفْتُهُ»؛ یعنی «پس از او آمدم» و از همین معنا، مفهوم «جانشینی او» نیز استفاده می‌شود (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۳۵۶/۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۲/۴).

در کاربردهای زبان‌شناختی عربی، «استخلاف» گاه بر نوعی «تفویض اختیار» دلالت دارد؛ چنان‌که تعبیر «إقامة الإنسان غیره مقام نفسه» به معنای قرار دادن دیگری در جایگاه خویش است و با مفاهیمی چون «نمایندگی» و «جانشینی» پیوند معنایی دارد (جوهری، ۱۴۰۷: ۵/۱۸۴۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۱۸).

در منابع فقهی و لغوی نیز، ذیل ماده «استخلاف»، تعابیری همچون «خلیفه کردن کسی به جای خود»، «خلیفه خواستن کسی» و «کسی را جانشین خویش کردن» گزارش شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۵/۵۵؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/۲۲۴۹؛ قلعہ جی، ۱۴۰۸: ۱/۵۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷: ۱/۴۱۹). از این رو، «استخلاف» در معنای لغوی و فقهی، به قرار دادن فردی در جایگاه دیگری و تفویض اختیار یا اعطای نمایندگی به او اشاره دارد؛ مفهومی که هم در قرآن کریم و هم در زبان عربی کاربرد یافته است.

۲-۲-۲. معنای اصطلاحی «استخلاف»

فقه‌ها در کاربرد اصطلاحی، «استخلاف» را غالباً به همان معنای لغوی به کار برده‌اند؛ یعنی: «جَعَلَ الشَّخْصَ غَيْرَهُ فِي مَكَانِهِ لِإِتْمَامِ عَمَلِهِ؛ شخص، دیگری را به جای خود قرار داد تا کارش را به پایان برساند یعنی شخصی، دیگری را به جای خود می‌گمارد تا کار او را به پایان رساند. از این رو گفته‌اند برای امام جایز است که در صورت بروز حادثه یا پیش آمدن مانع، فرد دیگری را به عنوان جانشین خود تعیین کند (عاملی، ۱۴۱۹: ۴/۴۶۶).

۳. شأن نزول و تحلیل محتوایی آیه استخلاف

آیه ۵۵ سوره نور، مشهور به «آیه استخلاف» است. این آیه در ادامه آیاتی قرار دارد که به موضوع اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر اکرم ﷺ پرداخته‌اند و نتیجه این اطاعت را که همان حکومت صالحان و امنیت پایدار بر زمین است، بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۵۲۷). در شأن نزول این آیه آمده است: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و در پناه انصار قرار گرفتند، کفار علیه آنان قیام کردند. شرایط چنان دشوار شد که مسلمانان ناچار بودند حتی شب‌ها نیز با سلاح به سر برند. برخی مسلمانان پرسیدند: «تا کی این وضعیت ادامه خواهد داشت؟ آیا زمانی خواهد رسید که اطمینان و آرامش بر ما حاکم شود و جز از خدا، از هیچ‌کس ترسیم؟» در پاسخ به این نگرانی، آیه استخلاف نازل شد و بشارت داد که چنین روزی فرا خواهد رسید (عنایه، ۱۴۱۱: ۲۹۰؛ واحدی، ۱۴۱۱: ۳۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۲۳۹). طبق فرموده برخی از مفسران؛ این آیه به مسلمانانی که دارای دو صفت «ایمان» و «عمل صالح» باشند، سه بشارت می‌دهد:

- ۱) برپایی حکومت صالحان بر زمین، همانند جانشینی امت‌های پیشین؛
- ۲) استقرار و گسترش دین حق به صورتی که مورد رضایت خداوند است و مانعی در برابر آن وجود ندارد؛
- ۳) از میان رفتن عوامل ترس و ناامنی و تبدیل آن به امنیت (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۵۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۵۲۸).

پس از بیان این بشارت‌های سه‌گانه، خداوند مسلمانان را به عبادت خود فرامی‌خواند و آنان را از شرک باز می‌دارد؛ زیرا شرک و نافرمانی، مصداق کفران نعمت و خروج از بندگی خداست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵: ۱۵۳).

متن آیه چنین است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵) «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که آنان را در زمین جانشین قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین ساخت؛ و دینشان را که برای آنان پسندیده است، برایشان مستقر گرداند؛ و ترس آنان را به امنیت تبدیل کند، تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک ن سازند. و هر کس پس از آن کافر شود، آنان همان فاسقان‌اند».

۴. بررسی تفسیر و مصداق آیه استخلاف

آیه ۵۵ سوره نور، افزون بر معنای لغوی و اصطلاحی استخلاف، از منظر تفسیری نیز دارای جنبه‌های مصداقی مهمی است. در ادامه، دیدگاه مفسران امامیه و اهل سنت درباره مصداق آیه بررسی می‌شود.

۴-۱. مصداق استخلاف از نگاه مفسران

در تحلیل آیه، مفسران امامیه و اهل سنت درباره اینکه مسلمانان جانشین چه کسانی می‌شوند، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند.

۴-۱-۱. دیدگاه مفسران امامیه

برخی از مفسران امامیه، مراد از استخلاف را جانشینی پیامبران پیشین، مانند حضرت آدم، موسی، داوود و سلیمان علیهم‌السلام دانسته‌اند. مستند این دیدگاه، آیاتی مانند آیه ۳۰ سوره بقره درباره حضرت آدم علیه‌السلام است: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ و هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار خواهم داد».

و نیز آیه ۲۶ سوره ص درباره حضرت داوود علیه السلام: ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ﴾ «ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه و جانشین گردانیدیم» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۲۴۰؛ قرشی، ۱۳۷۵: ۷/۲۴۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۸۴: ۱۴/۱۶۹). گروهی دیگر، استخلاف را مربوط به جانشینی قوم بنی اسرائیل دانسته‌اند؛ قومی که پس از نابودی فرعونیان، حکومت صالحان را تشکیل دادند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۹/۲۷۵).

علامه طباطبایی این دو دیدگاه را محدود دانسته و معتقد است مراد از «خلفای پیشین»، مؤمنان خالص امت‌های گذشته‌اند که پس از هلاک کفار و منافقان، نجات یافتند و در زمین استقرار پیدا کردند؛ مانند قوم نوح، هود، صالح و شعیب. مستند این دیدگاه، آیات ۱۳ و ۱۴ سوره ابراهیم است: «پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که ستمگران را هلاک خواهیم کرد و شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۵۱).

درباره اینکه وعده الهی شامل چه اشخاصی می‌شود، طبرسی با استناد به روایات امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام مصداق آیه را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می‌داند و معتقد است تحقق کامل حکومت صالحان در زمان ظهور امام مهدی (عج) خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/۲۴۰).

علامه طباطبایی معتقد است آیه به افراد مؤمن و صالح امت اسلامی اشاره دارد و دلیلی وجود ندارد که مصداق آن تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام باشند. با این حال، تحقق جامعه‌ای با ویژگی‌های کامل مورد نظر آیه، در زمان ظهور امام مهدی (عج) امکان‌پذیر است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۱۵۴-۱۵۵).

بر اساس روایات شیعه، مصادیق حکومت موعود را می‌توان در سه محور دسته‌بندی کرد: الف) امام علی علیه السلام؛ بر پایه برخی روایات، همان‌گونه که خلافت از جانب خداوند برای حضرت آدم علیه السلام و داوود علیه السلام ثابت شده، برای امام علی علیه السلام نیز ثابت است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۹۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶/۹۶).

ب) امامان معصوم علیهم السلام؛ در پاره‌ای از روایات شیعه، امامان معصوم علیهم السلام مصداق آیه دانسته شده‌اند و این روایات در تعیین مصداق حکومت موعود نقش دارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۹۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳/۹۵-۹۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲/۵۳).

ج) امام مهدی (عج) و یاران ایشان؛ برخی از روایات شیعه، تحقق حکومت صالحان را به زمان ظهور امام مهدی (عج) و یاران آن حضرت نسبت داده‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۷۶-۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۸/۵۱).

۴-۲. دیدگاه مفسران اهل سنت

۱) برخی از مفسران اهل سنت، استخلاف در آیه مورد بحث را ناظر به جانشینی قوم بنی اسرائیل دانسته‌اند؛ قومی که پس از نابودی فرعونیان، حکومت صالحان را تشکیل دادند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۹۳/۹). درباره اینکه وعده الهی شامل چه اشخاصی می‌شود، زمخشری معتقد است مصداق آیه، پیامبر اکرم ﷺ و صحابه‌اند که با پیروزی بر دشمنان، وارث زمین شدند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۵۱/۳).

۲) افراد دیگری از مفسران اهل سنت، مصداق آیه را خلافت خلفای راشدین دانسته‌اند؛ زیرا به باور آنان، خطاب آیه متوجه حاضران در عصر پیامبر ﷺ است و جانشینان مورد وعده باید در همان عصر حضور داشته باشند. از دیدگاه این گروه، خلفای راشدین سرزمین‌های بزرگی را فتح کردند، دین را گسترش دادند و امنیت نسبی برقرار ساختند (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۴/۴۱۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۹۵/۹).

بر این اساس، برخی از دانشوران از اهل سنت، استخلاف را به معنای جانشینی پس از پیامبر ﷺ دانسته و مصداق آیه را خلفای راشدین می‌شمارند، نه امام مهدی (عج). دلایل اصلی آنان عبارت است از:

الف) خطاب آیه به صحابه؛ بر اساس این دیدگاه، خطاب آیه متوجه صحابه است و تحقق وعده الهی تنها در خلافت چهار خلیفه رخ داده است (ایجی، ۱۳۲۵: ۸/۳۶۴).

ب) ظاهر خطاب قرآنی؛ در آیه مورد بحث آمده است: «خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است...». به باور این گروه، تعبیر «منکم» خطاب مستقیم به حاضران در زمان پیامبر ﷺ است، نه امامان معصوم ﷺ. (رازی، ۱۴۲۱: ۱/۱۴۷؛ باقلانی، ۱۴۰۷: ۱/۱۸۵).

۳-۱-۴. نقد دیدگاه اهل سنت درباره مصداق آیه

دیدگاه یادشده درباره انطباق آیه استخلاف بر خلفای راشدین، با نقدهای متعددی روبه‌روست. مهم‌ترین این نقدها در سه محور قابل طرح است:

الف) محدود کردن نادرست معنای «أرض»

این دیدگاه، «أرض» به سرزمین‌های فتح‌شده عرب و عجم محدود شده است؛ در حالی که برخی مفسران، آن را به زمین مکه، مدینه یا حتی بهشت تفسیر کرده‌اند. بنابراین، محدود کردن «أرض» به قلمرو فتوحات، نیازمند دلیل مستقل است و از خود آیه به‌روشنی استفاده نمی‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۳: ۵۲۱/۲؛ حقی، ۱۴۱۴: ۵/۵۲۷).

ب) نبود نشانه روشن بر رضایت الهی از دین خلفا

آیه استخلاف از تمکین دینی سخن می‌گوید که مورد رضایت خداوند است: ﴿دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾ از سوی دیگر، آیه اکمال، یعنی آیه ۳ سوره مائده، نشان می‌دهد دین کامل و مورد رضایت خداوند با واقعه‌ای خاص تحقق یافته است. بر پایه روایات مورد استناد امامیه، این تحقق با ولایت امام علی علیه السلام پیوند دارد. در مقابل، درباره خلفای راشدین، نشانه‌ای قطعی و هم‌سنگ بر رضایت الهی از عملکرد آنان در این معنا وجود ندارد (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۲/۲۳۳-۲۳۴؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۱۹/۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۸/۲۸۴؛ خوارزمی، ۱۴۱۱: ۱۳۶؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۲۰۰؛ ابن مغازلی، ۱۴۲۴: ۶۹).

ج) عدم تحقق کامل امنیت و آرامش در دوره خلافت خلفا

آیه استخلاف، تبدیل خوف به امنیت را از نتایج تحقق وعده الهی می‌داند. اما دوران خلافت خلفای سه‌گانه با جنگ‌ها، اختلافات و ناامنی‌های داخلی همراه بود. از جمله می‌توان به جنگ‌های ابوبکر با مرتدان، مخالفت‌ها با خلافت عمر و شورش‌ها علیه عثمان اشاره کرد. این رخدادها نشان می‌دهد وعده آیه، دست‌کم به صورت کامل و نهایی، در آن دوران تحقق نیافته است (واحدی، ۱۴۳۰: ۷/۴۲۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱/۵۵۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۴/۲۷۷؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹: ۷/۴۳۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۶/۱۵۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹: ۵/۶۷۸؛ یعقوبی، ۱۳۸۴: ۲/۱۷۵؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵: ۱۴/۴۱۶).

بنابراین، با توجه به شواهد تاریخی و روایی، تحقق کامل بشارت‌های آیه درباره امنیت فراگیر، تمکین دین و حکومت صالحان در دوره خلفای سه‌گانه مشاهده نمی‌شود. ازاین‌رو، بر اساس منابع شیعی، مصداق کامل و نهایی آیه را باید در حکومت امامان معصوم علیهم‌السلام به‌ویژه حکومت جهانی امام مهدی (عج) جست‌وجو کرد.

نتیجه‌گیری

از مباحث گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت که آیه استخلاف، نتیجه اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خداوند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بیان می‌کند؛ نتیجه‌ای که در قالب تحقق حکومت صالحان، تمکین دین مورد رضایت الهی و تبدیل خوف به امنیت پایدار بر زمین ظهور می‌یابد.

درباره معنای استخلاف و اینکه مسلمانان جانشین چه کسانی خواهند شد، میان مفسران امامیه و اهل سنت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مفسران امامیه، استخلاف را گاه به جانشینی پیامبران گذشته، گاه به جانشینی قوم بنی‌اسرائیل و گاه به جانشینی مؤمنان خالص امت‌های پیشین تفسیر کرده‌اند. درباره شمول وعده الهی نیز برخی آن را ناظر به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام دانسته‌اند و برخی دیگر، آن را شامل همه دارندگان ایمان و عمل صالح می‌دانند.

در نگاه امامیه، با استناد به روایات متعدد، مصادیق حکومت موعود را می‌توان امام علی علیه‌السلام، امامان معصوم علیهم‌السلام و در افق نهایی، امام مهدی (عج) و یاران ایشان دانست. در این چارچوب، تحقق کامل استخلاف، تمکین دین و امنیت فراگیر، در عصر ظهور معنا می‌یابد.

در مقابل، برخی مفسران اهل سنت، آیه استخلاف را ناظر به جانشینی قوم بنی‌اسرائیل یا خلافت صحابه و خلفای راشدین دانسته‌اند. استدلال اصلی آنان بر دو پایه استوار است: نخست، خطاب آیه به صحابه؛ و دوم، ظاهر تعبیر قرآنی «منکم» که به باور آنان، حاضران عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دربرمی‌گیرد.

این دیدگاه در سه محور نقد شد: نخست، محدود کردن نادرست معنای «أرض» به سرزمین‌های فتح‌شده؛ دوم، نبود نشانه روشن بر رضایت الهی از دین و عملکرد خلفا به معنای مورد نظر آیه؛ و سوم، عدم تحقق کامل امنیت و آرامش در دوره خلافت خلفا. بررسی منابع تاریخی و روایی نشان می‌دهد که مدعای انطباق کامل آیه بر خلافت خلفای سه‌گانه پذیرفتنی

نیست و وعده‌های سه‌گانه آیه در آن دوران به‌صورت کامل تحقق نیافته است.
بر این اساس، آیه استخلاف درباره خلفای سه‌گانه قابل اطلاق کامل نیست و دلالت نهایی
آن با آموزه مهدویت و حکومت جهانی امام مهدی (عج) سازگاری بیشتری دارد.



کتابنامه

قرآن کریم (۱۳۷۳ش)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۲. ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن بن محمد، (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز.

۳. ابن ابی شیبہ، ابوبکر، (۱۴۰۹). المصنف فی الأحادیث والآثار، ریاض، مکتبه الرشد.

۴. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن عبد الکریم، (۱۴۰۹). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر.

۵. ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، (۱۴۰۶). منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریة، قاهره، دار الحديث.

۶. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی، (۱۴۲۲). زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الکتاب العربی.

۷. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبة الله، (۱۴۱۵). تاریخ مدینة دمشق، لبنان، دار الفکر.

۸. ابن مغازلی، علی بن محمد، (۱۴۲۴). مناقب الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، لبنان، دار الأضواء.

۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). لسان العرب، چ ۳، بیروت، دار صادر.

۱۰. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸). روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی.

۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، (۱۴۱۵). الأغانی، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۱۲. ایجی، میر سید شریف، (۱۳۲۵). شرح المواقف، قم، الشریف الرضی، افست.

۱۳. آلوسی، محمود بن عبد الله، (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبد الباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیة.

۱۴. باقلانی، ابوبکر، (۱۴۰۷). *تمهید الأوائل فی تلخیص الدلائل*، لبنان، مؤسسة الكتب الثقافية.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷). *الصحاح؛ تاج اللغة وصحاح العربية*، بیروت، دار العلم للملايين.
۱۶. حسانی، عیدالله بن عبدالله، (۱۴۱۱). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی أهل البيت*، تهران، مؤسسة الطبع و النشر.
۱۷. حقی، اسماعیل بن مصطفی، (۱۴۱۴). *روح البیان فی تفسیر القرآن*، لبنان، دارالفکر.
۱۸. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷). *تاریخ بغداد أو مدينة السلام*، لبنان، دارالکتب العلمية.
۱۹. خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۴۱۱). *المناقب*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه.
۲۱. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، بیروت، دارالکتاب العربية.
۲۲. سمرقندی، ابواللیث، (۱۴۱۳). *تفسیر السمرقندی*، لبنان، دارالکتب العلمية.
۲۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۱۴). *الدرا المنثور فی التفسیر بالمأثور*، لبنان، دار الفکر.
۲۴. شاه عبدالعظیمی، حسین، (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشری*، تهران، میقات.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷). *تاریخ الأمم والملوک*، بیروت، روائع التراث العربی.
۲۸. طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*، تهران، بی نا.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱). *الغیبة*، تصحیح عبدالله تهرانی و ناصح علی احمد، قم،

دار المعارف الإسلامية.

۳۱. عاملی، محمدبن مکی، (شهید اول)، (۱۴۱۹). *ذکری الشيعة في أحكام الشريعة*، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.

۳۲. عنایه، غازی حسین، (۱۴۱۱). *أسباب النزول القرآنی*، بیروت، دارالجيل.

۳۳. فخررازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۰). *التفسير الكبير*، بیروت، دارالكتاب العربي.

۳۴. فخررازی، محمدبن عمر، (۱۴۲۱). *معالم أصول الدين*، بیروت، دارالكتاب العربي.

۳۵. فیض کاشانی، محمدمحسن، (۱۴۰۶). *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام.

۳۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۵). *تفسير أحسن الحديث*، تهران، بنیاد بعث.

۳۷. قلعه جی، محمد رواس، (۱۴۰۸). *معجم لغة الفقهاء*، چ ۲، اردن، دارالنفائس.

۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷). *الكافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۳۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۹). *کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال*، بیروت، دارالکتب العلمية.

۴۰. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.

۴۱. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴). *مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۱). *تفسير نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامية.

۴۳. نعمانی، محمدبن علی، (۱۳۹۷). *الغیبة*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.

۴۴. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱). *أسباب نزول القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمية.

۴۵. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۳۰). *التفسير البسيط*، عربستان، وزارة التعليم، العالی.

۴۶. الویری، محسن؛ برزویی، محمدرضا، (۱۳۹۹). *گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی*، مشرق موعود، شماره ۳۴.

۴۷. هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۷). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

۴۸. یعقوبی، احمدبن اسحاق، (۱۳۸۴). *تاریخ یعقوبی*، نجف، مکتبه حیدریه.